SAFECase No. 10855Date of filing: 18.12.86

** AWARD - Type of Award _____
 - Date of Award _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of MR. HOLTZMAN
 - Date 18.12.86
 _____ pages in English 6 pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

دیوان دادگاهی دعوی ایران

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

SEPARATE OPINION OF JUDGE HOLTZMAN

Case Nos. 10853/10854/10855/10856

Chamber One

برونده های شماره
۱۰۸۵۴، ۱۰۸۵۳،
۱۰۸۵۶، ۱۰۸۵۵

UNITED STATES TRIBUNAL	دادگاه دادگاه مدنی ایران - آغاز مسند
ثبت شد - FILED	
Date	18 DEC 1986
No.	۱۳۶۵ / ۹ / ۲۲
	نحوه

شعبه یک

حکم شماره ۱۰۸۵۶-۱

DUPLICATE
ORIGINAL

دست نوشته «برابر اصل»

جان ال. مک هارگ (برونده شماره ۱۰۸۵۳)
 ویلیام اچ. رابرتس (برونده شماره ۱۰۸۵۴)
 دیوید. ا. والاس (برونده شماره ۱۰۸۵۵)
 توماس ا. تاد (برونده شماره ۱۰۸۵۶)

دعای کمتر از ۲۵۰,۰۰۰ دلار
 مطروح توسط ایالات متحده امریکا،
 خواهانها،

- و -
 جمهوری اسلامی ایران،
 خوانده.

نظر جدایانه قاضی هولتزمندر مخالفت با قسمتی و موافقت با قسمتی دیگر از حکم صادره

اینجانب جز در موارد زیر با حکم صادره کاملاً موافقم: (یک) با تصمیم دیوان مبنی بر اینکه بعلت وجود حق السیم سپامدار پنجمی که تبعه ایالات متحده نبوده، مبلغ لازم التادیه به هریک از خواهانها که بالاتفاق کنترل شرکتی را در دست دارند با ید تقلیل یابد مخالفم، (دو) با تصمیم دیوان مبنی بر رد هزینه های فسخ که قرارداد حاکم، دیوان را بوضوح ملزم به اعطای آن می نماید، مخالفم، (سه) با نتیجه گیری که دیوان به

دلایل صلاحیتی در رد ادعای مربوط به موجودی حسابی نزد بانک تجارت به آن رسیده، موافقم ولی با استدلال دیوان در این مورد مخالفم، و (چهار) با حکم به پرداخت فقط ۵۰۰۰ دلار بعنوان هزینه های داوری صرفاً بعلت حصول اکثریت موافقت می کنم، چه این مبلغ حتی با توجه به روش گذشته دیوان در این زمینه، بسیار کم است.

اول

خواهانها که همگی اتباع ایالات متحده می باشند، چهار سهامدار با سهم مساوی از پنج سهامدار اولیه یک شرکت ایرانی بنام دالاس - مک هارگ - رابرتس اند تاد ایران اینکورپوریتد(دبليو.ام. آر.تی/ایران) هستند. شرکت مزبور قراردادی با سازمان محیط زیست دولت جمهوری اسلامی ایران ("دولت") جهت تأمین خدمات محوطه سازی یک پارک طبیعی که قرار بود در حومه تهران ساخته شود، منعقد نمود. سهامدار پنجم یک نفر هندی بنام آقای نارندر آجنبیا بود که مدیریت پروژه در ایران را بر عهده داشت.

دیوان نظر داد که دولت بهای خدمات انجام شده پیش از فسخ قرارداد و نیز کسور بازپرداخت نشده را به شرکت دبليو.ام. آر.تی/ایران، و در نتیجه به خواهانها بدهکار است، لیکن مبلغ متعلقه بهر یک از خواهانها را به جای ۲۵ درصد مورد مطالبه هریک از آنها به ۲۰ درصد کل مبلغ بدهی تقلیل داد، باین دلیل که خواهانها از عهده اثبات اینکه آقای آجنبیا "عملما" سهامش را یا به شرکت و یا به چهار سهامدار دیگر منتقل نموده، بر نیامده‌اند. بند ۵۸ حکم. دیوان با این استنتاج در دو مورد مرتکب اشتباه شده است.

همانطور که دیوان تصدیق می کند، مدارک موجود حاکی است که آقای آجنبیا در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۳۵۷ آذرماه) یعنی تقریباً یک ماه پیش از آنکه بعلت اوضاع ایران ناچار به ترک آن کشور شود، نامه‌ای به هیئت مدیره دبليو.ام. آر. تی/ایران

نوشت و در آن صراحتاً سهام خود در شرکت را به هیئت مدیره "واگذار نمود". همان مأخذ در مواردی، مانند پرونده حاضر، که در آن عدم رعایت قانون حاکم اثبات نگردیده و مدرکی که خلاف انتقال سهام را نشان می‌دهد، وجود ندارد، اینجانب نظر می‌دادم که نامه تسلیمی خواهانه‌بارای نشان دادن اینکه هریک از آنان بعنوان بقیه سهامداران شرکت دبليو. آم. آر. تی./ایران مالك ۲۵ درصد شرکت می‌باشد، کافی است.

اما مهمتر از آن، این است که اینجانب نظر می‌دادم که تعیین اینکه آیا آقای جونیجا علماً سهام خود را واگذار کرده یا خیر، لزومی ندارد. به نظر اینجانب، کنترل خواهانها بر دبليو. آر. آم. تی./ایران صرفنظر از اینکه قسمتی از سهام آن متعلق به اتباع غیر امریکائی باشد یا نباشد، طبق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی به خواهانها حق می‌دهد که بطور غیرمستقیم کل ادعای دبليو. آم. آر. تی./ایران را که حق اقامه دعوى ندارد، در دیوان مطرح سازند. رجوع شود به نظر موافق ریچارد آم. ماسک در پرونده بلانت برادرز کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران، صفحات ۲ تا ۶ حکم شماره ۱۵۵۲-۱ (۶ مارس ۱۹۸۶ / ۱۵ اسفندماه ۱۳۶۴) و پرونده هارزا و جمهوری اسلامی ایران بند ۲۷ حکم شماره ۲۳۲-۹۷-۲ (دوم مه ۱۹۸۶ / ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵) (که استدلالات مربوط به تأیید قاعده وصول غرامت کامل در آنها نقل شده است). بدین ترتیب، خواهانها را مجاز می‌شمردم که از طرف دبليو. آم. آر. تی./ایران غرامت کامل بابت تعهداتی که لازم التایید تشخیص داده شده، دریافت نمایند و حکم درباره تعهدات خواهانها به شرکت و هر سهامدار اقلیتی را به قانون محلی حاکم واگذار می‌کردم.

دوم

اینجانب همچین با نظر دیوان در رد ادعای مربوط به هزینه‌های فسخ مخالفم. طبق بند (۲) ب ماده ۱۷ قرارداد حاکم بین طرفین که در صورت فسخ قرارداد توسط دولت،

دبليو.ام. آر.تى/ایران، حق داشت مبالغ زير را دريافت نماید:

کلیه هزینه های ناشی از موافقت ها یا تعهدات ... در رابطه با کارکنان یا سایر موسسات (مهندس محوطه ساز)، همچنین هزینه های مربوط به بازگشت کارکنان خارجی و خانواده ايشان به موطن خویش و کرایه حل اثناء آنان به کشورشان در هنگام فسخ قرارداد و نيز هزینه برچیدن واحد محلی نظارت، مشروط بر آنکه اين قبيل هزینه ها برای اجرای قرارداد بوده و به تصويب کارفرما رسیده باشد...

ديوان صريحاً نظر می دهد که خوانده فقط طبق بند ب ماده ۱۷ می توانسته قرارداد را بنحو صحيح فسخ نماید، و اين امر بند (۲) ب اين ماده را به ميان می کشد، بند های ۶۱ و ۶۴ حکم. معهذا، ديوان هزینه های فسخ را که بند اخير الذکر خواهانها را محق به دريافت آن می کند به آنها نمی دهد. بند ۶۶ حکم .

دليل ديوان جهت رد اين قسمت از ادعاهای "کاملاً روشن نیست" همانطور که ديوان تصديق می نماید، ضمن آنکه طبق بند (۲) ب ماده ۱۷ هزینه های بازپرداختی باید به تصويب کارفرما برسد، ماده مزبور باید طوری تفسیر گردد که کارفرما را متعدد نماید که با حسن نیت عمل کند. بدین معنی که دولت نمی توانسته به نحو غير منطقی از تصويب هزینه های مشروع و تامین شده، خودداری کند. با اين وجود، ديوان بطور مبهم اظهار می دارد که "در رابطه با اين قرارداد و اوضاع و احوال پرونده های حاضر، خوانده اجباری به تصويب هزینه های يادشده نداشته است". مسلماً منظور ديوان از اين جمله نمی تواند اين باشد که خوانده بدلخواه خود می توانست از بازپرداخت اين هزینه ها خودداری نماید زيرا چنین نظری با قبول اين مطلب توسط ديوان در جمله بلافاصله ماقبل آن جمله در حکم دائم بر اينکه نباید بنحو غير منطقی از تصويب خودداری گردد، مغایرت پیدا می کند. بنابراین، منظور ديوان باید اين باشد که هزینه های انجام شده غير معقول بوده است. لیکن، اين نتيجه گيری نيز بهمان ميزان غيرقابل دفاع است زيرا ديوان در هيچ جا نمی گويد که هزینه های ادعا شده را بررسی يا رد کرده باشد. بطور خيلي ساده، برای اين اظهار

نظر دیوان که «خوانده اجباری به تصویب هزینه های یاد شده نداشته است»، هیچ مبنای وجود ندارد.

استدلال دیگر دیوان این است که «درمورد حاضر نه دلیل و مدرکی حاکی از اینکه خواهانها از کارفرما تقاضای تصویب هزینه ها را کرده باشند در دست است و نه مدرک و یا توضیحی در مورد عدم تقاضای تصویب». به نظر دیوان، در نبود چنین دلیل و مدرکی، خواهانها ثابت نکرده‌اند که الزامات بند ۲ (ب) ماده ۱۷ قرارداد را رعایت کرده‌اند. این استدلال در بهترین صورت عاری از صداقت است. کاملاً روشن است که چرا دبليو.ام. آر.تي/ایران درخواست تصویب این هزینه ها را از کارفرما نکرد؛ دولت مصرانه از قبول بی تقصیری دبليو.ام. آر.تي/ایران امتناع می‌کرد و بنابراین، همچنانکه دیوان نظر می‌دهد، از پذیرفتن اینکه قرارداد فقط طبق بند ب ماده ۱۷ قابل فسخ است، خودداری می‌نمود. تحت این شرایط نمی‌توان دبليو.ام. آر.تي/ایران را در مورد احتراز از تسلیم بیهوده صورتحساب هزینه های فسخ که رد شدنش محرز بود، مقصراً شمرد.

برخلاف نظر خوانده چه در هنگام بروز اختلاف و چه در سرتاسر این دادرسی، دیوان در این پرونده نظر می‌دهد هرگاه تقصیری متوجه دبليو.ام. آر.تي/ایران نباشد، فسخ این قرارداد مشمول مقاد بند ب ماده ۱۷ می‌شود. بنابراین، دیوان می‌بایست آن بررسی را که خوانده انجام نداده به عمل آورده و معین نماید که کدامیک از اقلام هزینه های فسخ خواهانها مشمول بند (۲) ب ماده ۱۷ می‌شود. به عنوان مثال رجوع شود به پرونده هنری اف - تایکمن آینکورپوریتد و شرکت شیشه همدان، بند ۴۶ حکم شماره ۱-۲۶۴-۲۶۴ بند ۴۶ (۱۲ نوامبر ۲۱/۱۹۸۶ آبان ماه ۱۳۶۵) درمواردی که کارفرما تصویب مقرر در قرارداد را انجام ندهد، دیوان باید مستقلاً تعیین کند که آیا کار موضوع صورتحساب انجام شده یا نه، و کارفرما نمی‌تواند «به عنوان دفاع در مقابل ادعاء، به عدم [تصویب] خود استناد نماید». بررسی ادله مربوطه، منجر به اعطای قسمت اعظم هزینه های مورد ادعا هر چند نه تمام آن، می‌گردد.

سوم

دیوان آن بخش از ادعاهای را که مربوط به مطالبه مانده حساب بانکی در بانک تجارت است رد کرده و استدلال می نماید که صلاحیت رسیدگی به آن را ندارد زیرا "خواهانها ثابت نکرده اند که پیش از ۱۹ زانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) مانده حساب مذکور را رسماً" مطالبه کرده اند". بند ۵۶ حکم. رجوع شود به بند یک‌ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی. اینجانب با این نظر به این دلیل موافقم که همچنانکه خواهانها در جلسه استماع اعتراف نمودند، خواهانها دلیلی مبنی بر کوشش در برداشت وجود از حساب مزبور یا ممانعت اوضاع جاری از چنین کوششی از طرف آنها و یا اینکه تحت اوضاع جاری چنین کوششی عبت بوده، ارائه نداده‌اند.

چهارم

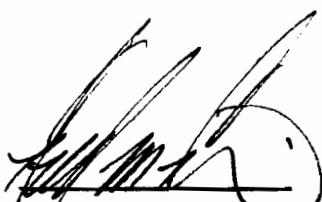
نکته آخر اینکه اینجانب با حکم در مورد هزینه‌ها فقط به منظور حصول اکثریت موافقت می کنم، بند ۷۴ حکم. اینجانب با دیوان موافقم که هرچند دعاوی کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار توسط ایالات متحده مطرح می گردد، معهذا خواهانهای آن دعاوی می‌توانند هزینه‌های مشاوره در استفاده از خدمات وکیل خصوصی در ارتباط با ادعاهای خود را مطالبه و دریافت نمایند. خواهانها استناد و مدارک فراوانی در مورد این هزینه‌ها تسليم نموده‌اند. علاوه بر این، درخواست ایالات متحده جهت یک و نیم درصد مبلغ حکم بابت هزینه‌ها که طبق معمول به عمل آمده، بسیار منطقی است. این پرونده‌ها نسبتاً پیچیده بوده و دیوان تائید می نماید که "لوایح و اسناد و مدارک حجیمی در تأیید ادعاهای تسليم شده است". همچنین خواهانها در برابر سه ادعای متقابل بطور موقفيت‌آمیز دفاع کرده‌اند. بندهای ۶۹ تا ۷۲ حکم. رویه‌مرفته، خواهانها در ۷۵ درصد از ادعاهای خود و در ۱۰۰ درصد ادعاهای متقابل برنده شده‌اند، و بالاخره بی‌توجهی خوانده به الزام صریح بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی موجب شد که خواهانها در مراحل اول

رسیدگی‌ها از دیوان درخواست نمایند که از آنها در مقابل دعوای مطرح در دادگاه عمومی تهران حمایت کند. بندهای ۳ و ۶۸ حکم.

در این اوضاع و احوال، بدیهی است که اعطای فقط ۵۰۰۰ دلار بابت حق‌الوکاله وکلای خصوصی و هزینه‌های ایالات متحده در طرح این پرونده بسیار اندک است، زیرا مبلغ مذبور بدون تردید کمتر از هزینه ترجمه مدارک تسلیمی می‌باشد. اینجانب طبق نظریات مندرج در نظر جدایانه خود در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز، اینک و جمهوری اسلامی ایران حکم شماره ۱ - ۶۴ - ۱۸۰ (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵ / با ۶ تیرماه ۱۳۶۴)، حکم به پرداخت مبلغ بسیار بیشتری بابت هزینه‌ها می‌دادم.

لاهه ،

بتاریخ ...!۸۰... دسامبر ۱۹۸۶ برابر با ۲۷۰...۲۷۰ آذرماه ۱۳۶۵



هوارد آم. هولتزمن

م.ب/ج.ح